

واکاوای ناامنی غذایی و برخی عوامل مؤثر بر آن در زنان روستایی

سرپرست خانوار شهرستان اسلام آباد غرب

کریم نادری مهدبی* - سارا جلیلیان^۲

۱- دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

۲- کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۲۶ صص ۴۵-۲۹ تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱/۱۵

چکیده

هدف: پایش امنیت غذایی و مقابله با ناامنی غذایی و گرسنگی در جامعه لازم و ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، واکاوی ناامنی غذایی و برخی عوامل مرتبط با آن در زنان روستایی سرپرست خانوار شهرستان اسلام آباد غرب می‌باشد.

روش: تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، غیرآزمایشی است. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، پیمایشی است. جامعه آماری عبارت است از کلیه زنان روستایی سرپرست خانوار شهرستان اسلام آباد غرب که ۲۰۰ نفر می‌باشند و با استفاده از فرمول کوکران و با ضریب خطای ۰/۳۹ درصد، تعداد ۱۰۷ نفر از آن‌ها به روش تصادفی به عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اطلاعات مورد نیاز پژوهش، با استفاده از روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه تهیه شده است. به منظور تعیین پایایی پرسش‌نامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که میزان آن در گویه‌های مربوط به سنجش ناامنی غذایی ۹۲ درصد می‌باشد. برای سنجش سطح امنیت غذایی از شاخص HFIAS استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که ۲۵/۲ درصد خانوارها در طبقه امن غذایی قرار داشتند. ناامن خفیف، متوسط و شدید غذایی به ترتیب، در ۵۱/۴ درصد، ۲۱/۵ درصد و ۱/۹ درصد در خانوارها مشاهده شد. در پاسخ به سؤالات پرسش‌نامه HFIAS، بیش‌ترین مورد تجربه ناامنی غذایی خانوارها، مصرف غذایی که اعضا خانوار دوست ندارند، به خاطر نبودن امکان تهیه غذاهای دیگر بود. براساس نتایج تحلیل رگرسیون، ۴ عامل دانشی، سازمان حمایت‌کننده، تعداد افراد تحت سرپرستی و درآمد شناسایی شد که در کل، ۶۲ درصد از واریانس ناامنی غذایی را تبیین کردند. همچنین، براساس یافته‌های پژوهش، این چهار گروه از ناامنی غذایی زنان مورد مطالعه در تابع تشخیص پژوهشی با مطلوبیتی قابل ملاحظه، طبقه‌بندی شده‌اند.

راهبردها: براساس یافته‌های تحقیق، می‌توان گفت بهترین راهبرد برای رفع ناامنی غذایی، توان‌مندسازی زنان سرپرست خانوار است و وابسته‌کردن آن‌ها به حمایت‌های مداوم دولتی غیرمنطقی است.

راهکارهای عملی: می‌توان به صورت خلاصه به برخی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در کاهش بروز مشکلات زنان روستایی سرپرست خانوار اشاره کرد: ایجاد امکانات و دسترسی به شغل مناسب، سازوکارهای لازم و مناسب حمایتی از سوی دولت و دستگاه‌های اجرایی، فرهنگ‌سازی و آموزش خانواده‌ها جهت حمایت از این قشر و در نهایت، لزوم شناسایی و آموزش مشاغل خانگی درآمدزا.

اصالت و ارزش: یافته‌های این تحقیق با توجه به عوامل دارای اولویت می‌تواند مورد استفاده و توجه دست‌اندرکاران و کنش‌گران این عرصه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: ناامنی غذایی، امنیت غذایی، سرپرست خانوار، زنان روستایی، شهرستان اسلام آباد غرب.

ارجاع: نادری مهدبی، ک. و جلیلیان، س. (۱۳۹۵). واکاوی ناامنی غذایی و برخی عوامل مؤثر بر آن در زنان روستایی سرپرست

خانوار شهرستان اسلام آباد غرب. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۵(۲)، ۴۵-۲۹.

<http://jrpp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/42423>

۱. مقدمه

۱.۱. بیان مسأله

کانون محور مباحث مهم توسعه انسانی، مردمی کردن فرآیند توسعه و توجه به قابلیت‌ها و خلاقیت‌های همه اقشار، به‌ویژه اقشار آسیب‌پذیر و حاشیه‌ای جامعه می‌باشد. بر پایه این رویکرد، توجه ویژه به موقعیت زنان، به عنوان نیمی از منابع انسانی جامعه به منظور اتخاذ سیاست‌های حمایتی جهت ارتقای وضعیت کنونی آن‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (شاطری و روستا، ۱۳۹۰، ص. ۶۷).

با توجه به این‌که غذا و تغذیه از جمله نیازهای بنیادی جامعه بشری است و تأمین آن در مقوله امنیت غذایی نهفته است، امنیت غذایی عبارت است از دسترسی همه مردم در تمام اوقات به غذای کافی به منظور زندگی سالم و فعال که شامل: ۱- فراهم‌بودن غذای سالم و کافی ۲- توانایی و اطمینان در به‌دست‌آوردن غذای مورد قبول از طریق که از نظر جامعه قابل قبول است (شرفخانی، دستگیری، قره‌آغاجی‌اصل، قوام‌زاده، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۵). منشأ فکری بحث امنیت غذایی به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت ملی، به بحران غذا در اوایل دهه ۱۹۹۰ در جهان برمی‌گردد (زارعی‌بیدسکان و مهرابی‌بشرآبادی، ۱۳۹۱). طبق آخرین گزارش سازمان کشاورزی و غذای سازمان ملل متحد، ۳۶ کشور دچار بحران غذایی هستند (فائو، ۲۰۰۸). تعداد افراد دچار ناامنی غذایی در ۷۰ کشور فقیر جهان، طی سال ۲۰۰۶-۲۰۰۷ از ۴۸۹ میلیون به ۹۸۲ میلیون نفر افزایش یافته است (مؤسسه تکنولوژیست غذایی^۱، ۲۰۰۸). این بحران‌ها در تلفیق با مشکلات تغذیه‌ای که از قبل وجود دارند، می‌تواند به ۳/۵ میلیون مرگ منجر شود (سازمان بهداشت جهانی^۲، ۲۰۰۳).

اخیراً گزارشی با عنوان وضعیت ناامنی غذایی در جهان که توسط فائو منتشر شده است، حاکی از این است که در بازه زمانی (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲) ۸۷۰ میلیون نفر در سراسر جهان (۱۲/۵ درصد از کل جمعیت جهان) از سوءتغذیه شدید رنج برده‌اند (فائو^۳، ۲۰۱۲).

براساس مطالعات بالینی انجام‌شده در کشور نیز، کمبود انواع ریزمغذی‌ها، جزء معضلات بهداشتی تغذیه‌ای کشور، به‌ویژه روستاها به شمار می‌آیند (نوروزی، مقدسی و شمس‌الدینی، ۱۳۹۲). با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت که جامعه روستایی کشور با مشکلات ناامنی غذایی ب خصوص در میان زنان و کودکان روبه‌روست.

همچنین، افراد با سطح اقتصادی اجتماعی پایین نسبت به دیگران کمبود غذایی بیش‌تری را تجربه می‌کنند (کارت و تایلر^۴، ۲۰۰۷) و شانس کم‌تری برای خرید غذاهای پیشنهادشده سالم و مغذی، حاوی چربی کم‌قند و نمک کم و فیبر بالا را دارند و در مجموع، انواع کم‌تری از میوه‌جات و سبزیجات را مصرف می‌کنند (تورل، هویت، باترسون و الدسترون و گولد^۵، ۲۰۰۲).

ناامنی غذایی طی دو دهه گذشته به عنوان مشکل عمده سلامت عمومی، توجه مردم، متخصصان و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده‌است. تا کنون در کشور، ناامنی غذایی به روش مستقیم در سطح ملی، استانی و شهر سنجیده نشده است و با توجه به اهمیت امنیت غذایی و نقشی که در توسعه دارد، بررسی و بهبود آن ضروری به نظر می‌رسد. همچنین، با توجه به این‌که امنیت غذایی در بین گروه‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر جامعه، از جمله زنان سرپرست خانوار، مستلزم توجه بیش‌تری است، بنابراین، ضرورت دارد به امنیت غذایی زنان سرپرست خانوار روستایی، به عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه، بیش‌تر توجه شود. بر همین اساس، با درک اهمیت و ضرورت مسأله تحقیق، پژوهش حاضر با هدف واکاوی ناامنی غذایی زنان سرپرست خانوار روستایی شهرستان اسلام آباد غرب و عوامل مختلف مؤثر بر آن صورت گرفته است.

۱.۲. پیشینه تحقیق

به طور کلی، مطالعاتی که در زمینه فقر و ناامنی غذایی صورت گرفته است، بسیار زیاد و در حوزه جغرافیایی وسیعی بوده است؛ اما مطالعات پژوهشی اندکی درباره امنیت غذایی زنان سرپرست خانوار و ناامنی آن صورت گرفته که به مرور برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

فریوت^۶ (۲۰۰۷)، در مطالعه‌ای با عنوان عدم امنیت غذایی و عوامل مؤثر بر خانوارهای روستایی در منطقه آمه‌ارا طی دوره زمانی ۲۰۰-۱۹۹۹ با استفاده از برآورد مدل پروبیت، به تأثیر عواملی هم‌چون بعد خانوار، سن و جنسیت و سطح تحصیلات سرپرست خانوار و درآمد کشاورزی و غیر کشاورزی و غیره، به وجود اثر معناداری بر ناامنی غذایی منطقه اشاره کردند. سالارکیا، عبداللهی، امینی و اسلامی امیرآبادی (۱۳۹۰) نیز به این نتیجه رسیدند که فقط ۲۱ درصد از خانوارهای ورامین در طبقه امن غذایی قرار دارند و ناامنی خفیف، متوسط و شدید غذایی به ترتیب، در ۴۶/۵، ۲۵ و ۷/۵ درصد از خانوارها مشاهده شد. مطالعه استادرحیمی، سلطانعلی، توتونچی، دستگیری و دادگر، (۱۳۸۵) نشان داد که در بعد گرسنگی آشکار، ۲۶ درصد و از بعد گرسنگی

پنهان ۴۱/۶ درصد است و فقط ۳۲/۲ درصد از افراد مطالعه شده در امنیت غذایی به سر می‌برند. هاشمی و سیال^۷ (۲۰۰۸) در تعیین عوامل تعیین‌کننده فقر روستایی در پنجاب پاکستان از روش لجستیک در معیار سرشمار استفاده کرده‌اند. در این تحقیق، خط فقر طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲ تخمین زده شده و عوامل مؤثر بر آن مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد احتمال فقیر شدن خانوارها با افزایش بعد خانواری و نسبت وابستگی افزایش یافته و با افزایش سطح آموزش، تعداد احشام خانوار و مزعه‌دار بودن کاهش می‌یابد؛ علاوه بر این، فرصت‌های اقتصادی-اجتماعی منطقه که در غالب دسترسی به زیرساختی مسکونی بررسی شده، نقش مهمی در کاهش فقر خانوارها دارد. در مطالعه رامش و هم‌کاران (۱۳۸۸) احتمال فرار گرفتن خانوارهایی با وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین و متوسط در یکی از طبقات نامنی غذایی به ترتیب، ۹/۵۶ و ۳/۸۴ برابر خانوارهایی با وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالا بود. همچنین، احتمال فرار گرفتن خانوارهایی که فرزند زیر ۱۸ سال داشتند، در یکی از طبقات نامنی غذایی ۱/۷۳ برابر هم‌میزان احتمال برای خانوارهای بدون فرزند بود. نتایج تحقیق سعدی و وحدت مودب (۱۳۹۲) نشان داد که امنیت غذایی زنان سرپرست خانوار با عواملی نظیر بار تکفل، میزان تحصیلات، تحت پوشش سازمان‌های مختلف و وضعیت تملک منزل مسکونی ارتباط معناداری دارد.

از دیدگاه جوان، پورعشور یاسوری، رهنما و احمدیان شالچی (۱۳۸۷) درآمد زنان سرپرست خانوار به دلیل اشتغال آن‌ها در مشاغل بی‌ثبات و کم‌درآمد و همچنین، تعداد اندک شاغلان خانوار، کم است. بنابراین، می‌توان گفت نامنی غذایی در این خانوارها بیش‌تر از خانوارهای معمولی است. پورکاظمی و سوزنده (۱۳۸۸) نیز با تعیین سبد غذایی و هزینه آن برای گروه‌های درآمدی مختلف با استفاده از منطق فازی، به برآورد خط فقر پرداخته‌اند. نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که خانوارهای روستایی در دهک‌های اول و دوم هزینه‌ای و خانوارهای شهری در دهک اول، توانایی مالی برای خرید مایحتاج غذایی نداشته‌اند. مازور، مارکوئیس و جنسن^۸ (۲۰۰۳) نیز شغل سرپرست خانوار را به منزله یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر امنیت غذایی خانواده تشخیص دادند. از نظر معیدفر و حمیدی (۱۳۸۶) اولین و بزرگ‌ترین مسأله زنان سرپرست خانوار، مسأله اقتصادی است. آن‌ها سطح درآمد بسیار پایینی دارند و درآمدشان اغلب برای تأمین نیازهای ضروری کفایت نمی‌کند. عمرانی و محمدزاده و دهمرد (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای به بررسی عوامل تعیین‌کننده فقر و همچنین، تغییرات

رفاهی خانوارهای روستایی شهرستان زابل طی دوره ۱۳۸۳-۱۳۷۶ پرداخته‌اند. در این تحقیق، سن سرپرست خانوار، ترکیب سنی فرزندان خانوار و همچنین، مجذور بعد خانوار از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده فقر در مناطق روستایی شهرستان زابل تشخیص داده شده است.

در پژوهشی میلانی‌بناب، مظفری خسروی و امیدوار (۱۳۹۱) به این نتیجه دست یافتند که ویژگی‌های فردی (سن، جنسیت و سطح سواد) بر وضعیت امنیت غذایی تأثیر دارد. نتایج مطالعه فروزان و بیگلریان (۱۳۸۲) نیز بیان‌گر فقر شدید زنان سرپرست خانوار و ناتوانی آن‌ها در تأمین امنیت غذایی است. در مطالعه نجیبی درستی مطلق، صدرزاده، اشراقیان، دانشی مسکونی و عزیزی (۱۳۹۱) نیز نامنی غذایی با بعد خانوار و وضعیت اقتصادی، ارتباط معناداری داشت. پژوهش باقری، زمانی، و کیلی و شناور (۱۳۹۱) نشان داد که دسترسی اقتصادی، وجود بازارهای مناسب و دانش و آگاهی خانواده (آموزش) به‌ویژه مادر خانواده، دسترسی به خدمات بهداشتی، درآمد بر امنیت غذایی مؤثر می‌باشد. نتایج مطالعات شرفخانی و هم‌کاران (۱۳۹۰) در بررسی شیوع و عوامل مؤثر بر نامنی غذایی خانوار، نشان‌گر تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر امنیت غذایی خانوار است. سعدی، عزیزی و اعظمی (۱۳۹۳) نشان دادند که ۴۲/۵ درصد افراد مورد بررسی، دچار نامنی غذایی در سطح کم، ۳۱/۵ درصد دچار نامنی متوسط و ۱۱ درصد دچار نامنی شدید غذایی‌اند. همچنین، پنج متغیر آگاهی تغذیه‌ای، مشارکت زنان، کلاس‌های آموزشی، توان اقتصادی و تعداد افراد تحت تکفل تأثیر بیش‌تری بر تأمین امنیت غذایی خانوار دارند. مطالعه براون، لورنس و تورپ^۹ (۲۰۰۹) نیز حکایت از رابطه علی بین تأثیر عوامل اقتصادی در امنیت غذایی می‌باشند.

گالیفورد، ماهابیر و راکس^{۱۰} (۲۰۰۳) نیز در مطالعه خود بر افراد ساکن ترینیداد و توباگو، به نتیجه مشابهی رسیدند و تعداد افراد خانواده را به منزله یکی از عوامل تأثیرگذار بر سطح امنیت غذایی بیان کردند. به این ترتیب، با افزایش بار تکفل، نامنی غذایی در زنان سرپرست خانوار بیش‌تر می‌شود. نتیجه مطالعه باباتونده، اتوکی، هیدوس و بوچنیدر^{۱۱} (۲۰۰۷) نشان داد که دسترسی به منابع اطلاعاتی و خدماتی می‌تواند منجر به افزایش امنیت غذایی خانوار شود. مطالعات شیخ^{۱۲} (۲۰۰۷) نیز نشان می‌دهد که ارتباط مثبت و معنی‌داری بین متغیر سواد سرپرست خانوار و امنیت غذایی وجود دارد. همچنین، ارتباط منفی و معنی‌داری بین اندازه خانوار و امنیت غذایی خانوار مشاهده شده است. مالیک و رفیع^{۱۳} (۲۰۱۰) نیز در مطالعه خود، به این نتیجه رسیدند که تفاوت معناداری بین نامنی

۲. روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، غیرآزمایشی و روش تحقیق مورد استفاده، پیمایشی است که با هدف واکاوی ناامنی غذایی زنان سرپرست خانوار روستایی و تأثیر عوامل مختلف بر آن، در شهرستان اسلام آباد غرب صورت گرفته است. شهرستان اسلام آباد غرب با وسعتی در حدود ۳۸۲۸ کیلومتر مربع، از شمال به شهرستان پاوه و جوانرود و از شرق به کرمانشاه، از غرب به شهرستان سرپل ذهاب و گیلان غرب و از جنوب به استان ایلام محدود شده است. از کل جمعیت شهرستان اسلام آباد غرب، ۷۵۴۴۸ نفر زن هستند که تعداد ۳۳۷۱۲ نفر آن‌ها در روستاها زندگی می‌کنند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). در جدول (۲) و شکل (۲) موقعیت جغرافیایی شهرستان اسلام آباد غرب و مشخصات جمعیتی دهستان‌های آن آمده است.



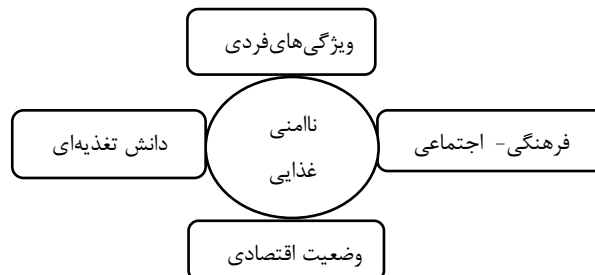
شکل ۲- موقعیت شهرستان اسلام آباد غرب نسبت به استان کرمانشاه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

جامعه آماری تحقیق، زنان سرپرست خانوار که تحت حمایت‌های آموزشی جهاد کشاورزی شهرستان قرار داشتند، بود که براساس اعلام آن اداره، ۲۰۰ بودند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۰۷ محاسبه شد. با توجه به حجم نمونه برآوردشده، از هر دهستان چند روستا به صورت تصادفی انتخاب و متناسب با جمعیت زنان سرپرست خانوار، به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب انجام شد و پرسش‌نامه مورد نظر به آن اختصاص داده شد.

غذایی در خانواده‌های زن سرپرست با سایر خانواده‌ها وجود ندارد. نتایج مطالعه والینگو^{۱۴} (۲۰۰۶) نشان می‌دهد که پروژه‌های کشاورزی منجر به کاهش فقر و بهبود امنیت غذایی خواهد شد. مطالعات اووتوکی^{۱۵} (۲۰۰۵) نیز نشان داد که ارتباط مثبت و معنی‌داری بین متغیر سواد سرپرست خانوار و امنیت غذایی وجود دارد. همچنین، در این بررسی به این نتیجه رسیدند که دسترسی به منابع اطلاعاتی می‌تواند منجر به افزایش عملکرد محصول و در نهایت، امنیت غذایی خانوار شود. عبدالله، اینگریدوت و سیگفرد^{۱۶} (۲۰۰۹) به بررسی وضعیت امنیت غذایی خانوارهای کشاورز در مناطق خشک کشور سودان پرداخته و نتیجه گرفتند که ۸۲ درصد از خانوارها با مشکل امنیت غذایی روبه‌رو هستند. ابراهیم، اوباز، اویول و اونوک^{۱۷} (۲۰۰۹) به بررسی وضعیت امنیت غذایی با استفاده از شاخص استراتژی مقابله شهری گاوآلودای ابوجا در نیجریه پرداخته و نتیجه گرفتند که ۷۰ درصد مردم این منطقه یا از استراتژی‌های مقابله استفاده نکردند و یا این که از استراتژی مقابله با شدت کم‌تر استفاده می‌کنند. مطالعات ناگانا، ماگرنج یانگ، اوکوتا و کوهن^{۱۸} (۲۰۱۲) در کنیا که با استفاده از مقیاس ناامنی غذایی خانوار انجام شده، به این نتیجه رسیدند که ۷۹ درصد افراد مورد مطالعه در سطح ناامنی شدید غذایی قرار داشتند.

بر مبنای آن چه از پیشینه تحقیقات مرتبط با عوامل مؤثر بر ناامنی غذایی زنان سرپرست خانوار، برمی‌آید، می‌توان به طور خلاصه، این عوامل را در قالب عوامل فردی (سن، تحصیلات)، عوامل اقتصادی (داشتن درآمد، پس‌انداز، تمکین مالی)، عوامل فرهنگی و اجتماعی (تقویت شبکه‌های اجتماعی-ارتباطی) و عوامل دانش تغذیه‌ای و رفتاری (بهبود نگرش‌های غذایی، استعدادها و مهارت‌های استفاده از دانش روز، تشویق و ترغیب توسعه به‌کارگیری الگوهای غذایی جدید) خلاصه کرد که بر این اساس، مدل مفهومی تحقیق به شرح شکل (۱) ترسیم شد.



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

جدول ۱- جامعه آماری و تعداد نمونه انتخابی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

بخش	دهستان	زنان سرپرست خانوار تحت حمایت	نمونه انتخاب شده	روستاهاى نمونه های انتخابی
مرکزی	حسن آباد	۳۸	۲۰	کریم حاصله - دارخور - وحدت
	حومه جنوبی	۵۴	۲۸	برف آباد - چالابوکر - امیر آباد - تاجر اکبر - کله شیخه
	حومه شمالی	۲۷	۱۶	ارکوازی - چنگر جلیوند - مله امیرخان
حومه حمیل	شیان	۲۱	۱۱	میرعیزی - قلعه شیان - بور بور
	منصوری	۱۵	۸	داربید منصوری - گراوند
	هرسم	۲۶	۱۴	سراب هرسم - ریلگ سفلی - تازه آباد
	حمیل	۱۹	۱۰	پلنگرد - چشمه سنگی
کل		۲۰۰	۱۰۷	

ویسی، ۱۳۸۷). در این میان، زنان سرپرست خانوار به کسانی گفته می‌شود که بدون حضور منظم و یا حمایت‌کننده یک مرد بزرگسال، سرپرستی خانوار را برعهده می‌گیرند و مسؤولیت اداره اقتصادی خانواده، تصمیم‌گیری‌های عمده و حیاتی با آنهاست (مؤمنی‌زاده، ۱۳۹۳). بر مبنای تعریف سازمان بهزیستی، زنان سرپرست خانوار زنانی هستند که عهده‌دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار می‌باشند و از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماع هستند که گاه عواملی چون طلاق، فوت، اعتیاد همسر، از کارافتادگی او، رهاشدن توسط مردان مهاجر و یا بی‌مبالات، موجب آسیب‌پذیرتر شدن این طیف وسیع از جامعه می‌شود. براساس آمارهای رسمی کشور، امروزه زنان، سرپرستی ۹/۴ درصد از خانوارهای ایرانی را به عهده دارند (نازک‌تبار و ویسی، ۱۳۸۷). درآمد کم‌تر زنان سرپرست خانوار، موجب فقر نسبی آنها نسبت به مردان سرپرست خانوار شده است؛ به طوری که ۲۹ درصد خانوارهای دهک اول اقتصادی را خانوارهای بی‌سرپرست یا زن‌سرپرست تشکیل می‌دهند (مدنی، ۱۳۸۱، ص. ۱۱). مطالعات نشان می‌دهند که زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند. همچنین، پژوهش‌های انجام‌شده در کشور نشان‌گر نسبت بالای زنان زیر خط فقر، به‌ویژه فقر شدید زنان سرپرست خانوار است (شادی‌طلب، وهابی و ورمزیان، ۱۳۸۴).

با توجه به این که وجود انسان‌های سالم و توانمند، رکن اصلی دستیابی به پایداری در توسعه است و تأمین مواد غذایی مورد نیاز در این میان، نقشی اساسی ایفا می‌کند. بنابراین، امنیت غذایی در جوامع روستایی که خود عمده‌ترین بخش تولیدکننده مواد غذایی در جامعه هستند، امری ضروری است. اگرچه تصور می‌شود، به دلیل تولید بسیاری از مواد غذایی در روستاها، روستاییان به مواد

متغیر وابسته تحقیق، نامنی غذایی خانوار است. برای اندازه‌گیری نامنی غذایی، روش‌های متعددی وجود دارد که در این پژوهش، سطح نامنی غذایی زنان روستایی با استفاده از شاخص نامنی غذایی خانوار که دارای گویه‌ها و روش استاندارد است، ارزیابی شد. این شاخص دارای ۹ سؤال استاندارد است که روایی آن در سطح جهان و کشور تأیید شده است و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه شد. جهت ارزیابی نامنی غذایی با توجه به امتیاز هر یک از گویه‌ها در پرسش‌نامه مقیاس نامنی غذایی خانوار (HFAS)، می‌توان میزان نامنی غذایی را مشخص کرد. مقیاس سنجش مربوطه در قالب طیف ۴ گزینه‌ای است؛ به طوری که هیچ (کد ۰)، یک الی دو بار (کد ۱)، دو تا سه بار (کد ۲)، بیش از سه بار (کد ۳) می‌باشد. به این ترتیب، افرادی با امتیاز ۰ تا ۱ از امنیت غذایی کامل برخوردارند، امتیاز ۲ تا ۷ دچار نامنی خفیف غذایی، امتیاز ۸ تا ۱۴ نامنی متوسط غذایی و امتیاز بیش از ۱۵ نامنی شدید غذایی هستند (کواتس، ۲۰۰۷). دانش تغذیه‌ای نیز از جمع چهار متغیر (سلامت مواد غذایی مصرفی، آگاهی از بیماری‌های حاصل از سوء مصرف مواد غذایی، بایدها و نبایدهای مصرف مواد غذایی، حد دسترسی به منابع مختلف اطلاعاتی در زمینه تغذیه) در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای محاسبه شد.

۳. مبانی نظری تحقیق

از نظر جامعه‌شناسان، سرپرست خانوار یک اصطلاح توصیفی است و به کسی اطلاق می‌شود که قدرت قابل ملاحظه در مقایسه با سایر اعضای خانواده دارد، معمولاً مسن‌ترین فرد خانواده است و مسؤولیت‌های اقتصادی خانواده به عهده وی می‌باشد (نازک‌تبار و

غذایی بهتر و بیش‌تری دسترسی دارند؛ اما آمار نشان می‌دهد وضعیت تغذیه مردم ساکن در شهرها در چند مورد از روستاها بهتر است (علیزاده و حاتمی‌نژاد، ۱۳۸۹). از دیدگاه اسمیت، امانی و جنسن^{۱۹} (۲۰۰۰) مهم‌ترین عامل ایجادکننده ناامنی غذایی، در کشورهای درحال توسعه، قدرت خرید پایین و فقر اقتصادی مردم است. ناامنی غذایی را می‌توان «فراهم کردن محدود یا نامطمئن غذای مغذی کافی و سالم یا توانایی محدود یا نامطمئن برای کسب غذاهای مطلوب از راه‌های اجتماعی قابل قبول» تعریف کرد و گرسنگی یک حس ناخوشایند و دردناک ناشی از فقدان غذا است (بیکل، نورد، پریس، هامیلتون و کوک^{۲۰}، ۲۰۰۰). ناامنی غذایی یک پدیده پیچیده و چندبعدی است که در سطح خانوار و فرد به طور مشابه تجربه نمی‌شود و در بین بزرگسالان و کودکان نیز متفاوت به نظر می‌رسد؛ یک تجربه زنجیره‌ای است که از نگرانی و اضطراب درباره غذا در سطح خانوار آغاز می‌شود و تا پدیدارشدن گرسنگی در بین کودکان پیشرفت می‌کند (جاناچی، دوفی و گتز^{۲۱}، ۲۰۰۵).

اجزای اصلی معیار ناامنی غذایی در سطوح خانوار، مشتمل است بر: نگهداری ذخایر غذایی، کیفیت و ایمنی غذای مصرفی، اضطراب درباره ذخایر غذا و منابع قانونی و عرفی تأمین غذا (رادمیر، السون و کمپل^{۲۲}، ۱۹۹۰). ناامنی غذایی را می‌توان به دو نوع موقت و مزمن طبقه‌بندی کرد. ناامنی غذایی موقت یا گذرا خفیف‌ترین نوع ناامنی غذایی است که بر اثر یک شوک ناشی از یک حادثه غیرمترقبه تأثیرگذار بر درآمد؛ مانند از دست دادن شغل به وجود می‌آید و معمولاً با فروختن وسایل، قرض گرفتن پول، کاهش حجم و تعداد وعده و به‌درازآکشاندن مصرف ذخایر غذایی موجود، با آن مقابله می‌شود. ناامنی غذایی مزمن که ریشه در فقر دارد، به طور مستمر، گریبان‌گیر خانوارهای کم‌درآمد، به‌ویژه خانوارهای زن سرپرست دارای فرزند و زنان تنها می‌شود و تجربه حس گرسنگی را در پی دارد (محمدزاده، درستی مطلق و اشراقیان، ۱۳۸۹). اگرچه ناامنی غذایی و گرسنگی از منابع مالی محدودشده ناشی می‌شوند؛ اما اندازه‌گیری فقر و درآمد، اطلاعات واضحی درباره وضعیت امنیت غذایی نمی‌دهند. مطالعات نشان داده است که بسیاری از خانوارهای کم‌درآمد در وضعیت امن غذایی قرار دارند، در حالی که درصد کمی از خانوارهای غیرفقر هم، ناامنی غذایی دارند (بیکل و هم‌کاران، ۲۰۰۰).

بنابراین، برای اندازه‌گیری پدیده ناامنی غذایی و گرسنگی به یک روش مستقیم نیاز است. مقیاس ۱۸ گویه‌ای USDA مجموعه خاصی از امنیت غذایی خانوار؛ ویژگی‌ها، تجربیات و الگوهای

رفتاری را می‌سنجد که ممکن است در خانوار ناامن غذایی پدیدار شود (کینون، السون، هرسی و چارمر^{۲۳}، ۲۰۰۱). در واقع، شاخص ناامنی غذایی، احساس سرپرست خانوار را درباره ناامنی غذایی خود و خانواده‌اش در قالب جملات محاوره‌ای منعکس می‌کند (کوتس، اسویندال و بیلینسکی^{۲۴}، ۲۰۰۷). در ایران برای ارزیابی امنیت غذایی خانوار، عمدتاً از شاخص‌های غیرمستقیم؛ نظیر هزینه و درآمد خانوار (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸)، وضعیت تغذیه‌ای (دفتر انجمن بهبود تغذیه^{۲۵}، ۲۰۰۱)، الگوی مصرف خانوار و کفایت انرژی (کلانتری، غفارپور، هوشیارراد، کیانفر و بونداری‌نژاده، ۱۳۸۴)، عرضه و تولید مواد غذایی در سطح ملی (دائمی‌ترکمنی، ۱۳۷۹) و رابطه الگوی مصرف با شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و کسب درآمدی کالاهای اساسی استفاده شده است (مؤسسه برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۳). با توجه به این‌که امنیت غذایی به عنوان یک شاخص سلامتی خانوار و فرد مطرح است و ناکافی بودن غذا زمینه‌ساز مشکلات تکاملی، سلامتی و تغذیه‌ای است، اندازه‌گیری و پایش ناامنی غذایی و گرسنگی می‌تواند به سیاست‌گذاران، سازمان‌های توسعه و سایر نهادها تا حد زیادی در جهت طراحی برنامه‌ها و مداخلات لازم و نیز، پایش و ارزشیابی آن‌ها کمک شایانی کند (رامش، درستی مطلق و عبدالله، ۱۳۸۸، ص. ۵۴).

همچنین، با توجه به نتایج متفاوت مطالعات درباره عوامل مرتبط با ناامنی غذایی و این‌که در ایران تنها مطالعات اندکی وضعیت امنیت غذایی را به روش مستقیم بررسی کرده‌اند (ضرافتی‌شو، ۱۳۸۳؛ کرمی‌سلطانی، ۱۳۸۳؛ رامش و هم‌کاران، ۱۳۸۸)، در حالی که ممکن است شیوع ناامنی غذایی و عوامل مرتبط با آن در نقاط مختلف کشور متفاوت باشد، ضرورت دارد که وجود ارتباط بین ناامنی غذایی با عوامل مختلف، در هر جامعه‌ای به طور اختصاصی مورد بررسی قرار گیرد.

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. ویژگی‌های فردی پاسخگویان

نتایج نشان داد که سن زنان مورد مطالعه بین ۲۵ تا ۸۳ سال، در نوسان است (میانگین ۴۹/۵۵ سال با انحراف معیار ۱۴/۱۴۸). همچنین، افراد تحت تکفل زنان سرپرست خانوار تا ۷ نفر متغیر است و بیش‌ترین درصد (۲۳/۴ درصد) مربوط به افرادی است که ۲ نفر را تحت تکفل خود داشتند (میانگین ۲/۴۲ و انحراف معیار ۱/۶۸۸). دیگر یافته‌های مربوط به ویژگی‌های فردی پاسخگویان در جدول (۲) نشان داده شده است.

جدول ۲- ویژگی‌های فردی زنان سرپرست خانوار

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

متغیر مستقل	گویه	فراوانی	درصد
سطح تحصیلات	دیپلم و بالاتر	۳	۲/۸
	راهنمایی	۲۲	۲۲/۳
	ابتدایی	۲۸	۱۶/۰۰
	بی‌سواد	۴۴	۵۸/۹
مالکیت مسکن	شخصی	۱۰۴	۹۷/۲
	استیجاری	۳	۲/۸
منابع درآمدی	دریافت مستمری	۲۴	۲۲/۴
	اشتغال زنان	۲۱	۱۹/۵
	اشتغال فرزندان	۱۲	۱۲/۱
	درآمد کشاورزی	۴۷	۴۳/۲
	کمک خویشاوندان	۳	۲/۸

تجارب مهم ناامنی غذایی خانوارهای مورد مطالعه بود و مواردی نظیر «مصرف غذا کم‌تر از نیاز به خاطر نبودن غذای کافی» (میانگین: ۰/۴۲۰، انحراف معیار: ۰/۶۳۰) و «عدم وجود غذای کافی در منزل به خاطر نبودن منبعی برای تهیه غذا» (میانگین: ۰/۳۶۴ و انحراف معیار: ۰/۳۵۰) در اولویت‌های پایین قرار گرفتند. جدول (۳) سایر گویه‌های وضعیت ناامنی غذایی زنان سرپرست خانوار را نشان می‌دهد.

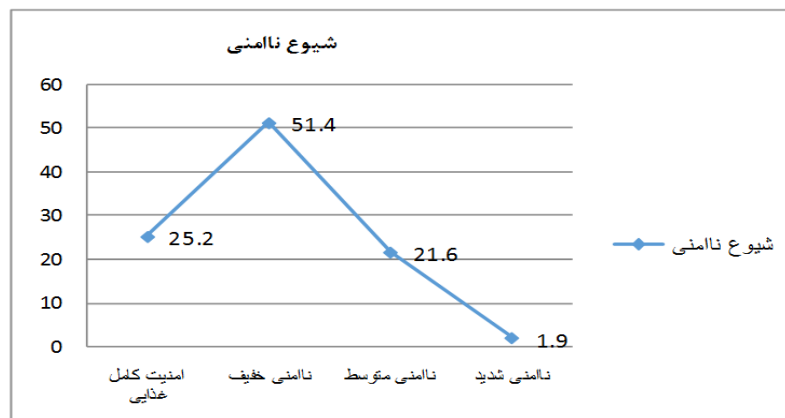
۲.۴. ارزیابی وضعیت ناامنی غذایی براساس مقیاس HFIAS

شاخص HFIAS وضعیت ناامنی غذایی نشان داد که دو گویه «مصرف غذایی که اعضا خانوار دوست ندارند، به خاطر نبودن امکان تهیه غذاهای دیگر» (میانگین: ۰/۹۹۰، انحراف معیار: ۰/۸۱۸) و «مصرف انواع محدودی از غذاها توسط اعضای خانوار به خاطر نبودن منابع درآمدی» (میانگین: ۰/۷۲۹، انحراف معیار: ۰/۶۵۲)، به ترتیب، از

جدول ۳- اولویت‌بندی تجارب ناامنی غذایی خانوارهای مورد بررسی براساس مقیاس (HFIAS)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	متغیر
۱	۰/۸۲	۰/۸۱۸	۰/۹۹۰	به خاطر نبودن امکان تهیه غذاهای دیگر، اعضا خانوار غذایی مصرف کردند که دوست نداشتند
۲	۰/۸۹	۰/۶۵۲	۰/۷۲۹	مصرف انواع محدودی از غذاها توسط اعضای خانوار به خاطر نبودن منابع
۳	۰/۹۱	۰/۷۴۱	۰/۸۱۳	عدم مصرف انواع غذایی که ترجیح داده می‌شود، به خاطر نبودن منابع
۴	۰/۹۲	۰/۷۷۰	۰/۸۳۱	نگرانی از مصرف کافی غذا توسط اعضای خانوار
۵	۱/۴۷	۰/۶۶۲	۰/۴۴۸	حذف کردن یکی از سه وعده غذایی اصلی (ناهار، شام، صبحانه) به دلیل نداشتن غذای کافی
۶	۱/۵۰	۰/۶۳۰	۰/۴۲۰	به خاطر نبودن غذای کافی در منزل اعضای خانوار غذای کم‌تر از نیازشان مصرف کردند
۷	۱/۷۸	۰/۶۵۰	۰/۳۶۴	عدم وجود غذای کافی در منزل به خاطر نبودن منبعی برای تهیه غذا
۸	۲/۰۸	۰/۴۲۸	۰/۲۰۵	گرسنه‌خوابیدن اعضای خانوار به خاطر نبودن غذای کافی
۹	۳/۶۹	۰/۳۱۰	۰/۰۸۴	به خاطر نبودن غذای کافی اعضای خانوار تمام روز بدون خوردن چیزی گذرانده



شکل ۳- وضعیت ناامنی غذایی در زنان سرپرست خانوار

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

نتایج نشان داد تفاوت معناداری بین ناامنی غذایی خانوارهای زنان مورد مطالعه با مساحت منزل مسکونی وجود دارد ($F = ۳/۹۰$) و $P = ۰/۰۰۵$). براساس نتایج حاصل از تحلیل واریانس، می‌توان زنان را در چند گروه قرار داد: زنان که دارای منزل مسکونی با مساحتی بین ۵۰ تا ۱۰۰ مترمربع، کم‌تر از ۵۰ مترمربع، ۱۵۱ تا ۲۰۰ مترمربع، ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر مربع و بیش از ۲۰۰ مترمربع می‌باشند، به ترتیب، شدیدترین درصد ناامنی غذایی را به خود اختصاص دادند (جدول ۴). یافته‌های مطالعات گوناگونی از افرادی مثل فیس و ابما^{۲۶} (۲۰۰۳)، هندراینیس، ساراتتی و پاپاپترو^{۲۷} (۲۰۰۵)، لیانج و تنگ^{۲۸} (۲۰۰۵)، باقری و هم‌کاران (۱۳۹۱) و براون و هم‌کاران^{۲۹} (۲۰۰۹)، سعدی و هم‌کاران (۱۳۹۲)، رافائل^{۳۰} (۲۰۰۹) نیز نشان‌دهنده رابطه علی بین تأثیر عوامل اقتصادی در امنیت غذایی می‌باشند.

۴.۵. مقایسه ناامنی غذایی در زنان سرپرست خانوار برحسب نوع مالکیت مسکن

نتایج حاصل از مقایسه میانگین نشان داد که نوع مالکیت مسکن زنان مورد بررسی نیز با میزان و سطح ناامنی غذایی، دارای رابطه می‌باشد. نتایج تحقیق سالارکیا و هم‌کاران (۱۳۹۰) و رامش و هم‌کاران (۱۳۸۸) نیز بیان‌گر اهمیت این مسأله می‌باشد؛ به بیان دیگر، می‌توان گفت زنان دارای مسکن اجاره‌ای دچار ناامنی غذایی بیش‌تری هستند (جدول ۴). براساس دیگر نتایج پژوهش، ارتباط معنادار بین ناامنی غذایی با تحصیلات زن سرپرست خانوار مشاهده نشد (جدول ۴). می‌توان نتیجه گرفت که بیش‌تر زنان مورد مطالعه با مشکل بی‌سوادی و کم‌سوادی روبه‌رو بودند که با نتایج پژوهش‌های میلانی‌بناب و هم‌کاران (۱۳۹۱)؛ سعدی و هم‌کاران (۱۳۹۳)، عرب‌مازار و حسینی (۱۳۸۳)؛ موکادی^{۳۱} (۲۰۰۳) و شیخ (۲۰۰۷) هم‌خوانی نداشت.

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، ۲۵/۲ درصد خانوارها در طبقه امن غذایی قرار داشتند. ۵۱/۴ درصد ناامن خفیف، ۲۱/۵ درصد ناامنی متوسط و ۱/۹ درصد در طبقه ناامنی شدید قرار گرفتند. میزان شیوع ناامنی غذایی در پژوهش حاضر با داده‌های مورد بررسی در پژوهش‌های فروزان و بیگلریان (۱۳۸۲) و رامش و هم‌کاران (۱۳۸۸) که بیان‌گر این است که ناامنی شدید غذایی زنان سرپرست خانوار، نزدیک است. یافته‌های این تحقیق نیز با نتایج پژوهش سامار عبداللا و هم‌کاران (۲۰۰۹) هم‌خوانی دارد؛ به طوری که در تحقیق مذکور نیز نشان داده شد که ۸۲ درصد از خانوارها با مشکل امنیت غذایی روبه‌رو می‌باشند. سعدی و هم‌کاران (۱۳۹۳) نیز در بررسی وضعیت امنیت غذایی نشان دادند که تنها ۱۵ درصد امنیت کامل غذایی دارند، در حالی که ابراهیم و هم‌کاران (۲۰۰۹) در بررسی خود در نیجر به نتیجه گرفتند که ۷۰ درصد مردم منطقه را از نظر وضعیت امنیت غذایی، در وضعیتی بسیار امن ارزیابی کردند و تنها ۳۰ درصد از نظر وضعیت امنیت غذایی در وضعیت مناسبی نیستند.

۴.۳. مقایسه ناامنی غذایی در زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان‌های مختلف

سازمان‌هایی نظیر کمیته امداد امام خمینی، سازمان بهزیستی، بنیاد شهید و سازمان تأمین اجتماعی از افراد مورد مطالعه برحسب شرایطشان حمایت می‌کنند. همان‌طور که در جدول (۴) نشان داده شده است، با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت، تفاوت معناداری بین سطح ناامنی غذایی خانوارهای زن سرپرست تحت پوشش این نهادها وجود دارد ($F = ۳/۵۲$ و $P = ۰/۰۱۹$)؛ به گونه‌ای که افراد تحت حمایت تأمین اجتماعی و بنیاد شهید در بالاترین سطح امنیت غذایی و افراد تحت حمایت بهزیستی در پایین‌ترین سطح امنیت غذایی قرار دارند.

۴.۴. مقایسه ناامنی غذایی در زنان سرپرست خانوار برحسب مساحت منزل مسکونی

جدول ۴- مقایسه میانگین متغیرهای مستقل و وابسته

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

متغیر گروه‌بندی مستقل	جنس متغیر	متغیر وابسته	جنس متغیر	آزمون	مقدار	P
سازمان حمایتی	اسمی چندوجهی	ناامنی غذایی	فاصله‌ای	F	۳/۵۲	۰/۰۱۹**
مساحت منزل مسکونی	ترتیبی	ناامنی غذایی	فاصله‌ای	F	۳/۹۰	۰/۰۰۵**
مالکیت مسکن	اسمی دووجهی	ناامنی غذایی	فاصله‌ای	T	- ۲/۶۸	۰/۰۰۹**
تحصیلات	اسمی چندوجهی	ناامنی غذایی	فاصله‌ای	F	۰/۵۷۵	۰/۶۸۱ ^{ns}

ns معنی‌دار نیست، ** معنی‌داری در سطح یک درصد

رامش و هم‌کاران (۱۳۸۸)، هاشمی و سیال (۲۰۰۸)، شیخ (۲۰۰۷)، راماکریشنا و آسفا^{۳۲} (۲۰۰۲) و گالیفورد و هم‌کاران (۲۰۰۳) نیز مؤید این مسأله است.

افراد تحت تکفل بیش‌تر از نظر اقتصادی بر خانواده فشار آورده و زمینه ناامنی غذایی آن را مستعد می‌کنند (جدول ۵). نتایج مطالعات سعدی و هم‌کاران (۱۳۹۳) عرب‌مازار و حسینی‌نژاد (۱۳۸۳)، نجیبی و هم‌کاران (۱۳۹۱)، عمرانی و هم‌کاران (۱۳۸۸)،

جدول ۵- ضرایب هم‌بستگی پیرسون بین متغیرها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار	سطح معنی داری
بار تکفل	نامنی غذایی	۰/۷۳۰	۰/۰۳۸*
سن	نامنی غذایی	- ۰/۰۷۴	ns/۰/۴۴۹

ns معنی دار نیست، * معنی داری در سطح پنج درصد

۴.۶. بررسی تأثیر جمعی متغیرهای مستقل بر نامنی

غذایی خانوارهای زن سرپرست

به منظور پیش‌بینی تأثیر تجمعی متغیرهای مؤثر بر نامنی غذایی زنان روستایی مورد بررسی از روش رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. در این روش، پس از ورود کلیه متغیرهای مستقل فردی، اقتصادی و دانش تغذیه‌ای دارای هم‌بستگی معنی دار با نامنی غذایی، تنها متغیرهای دانش تغذیه‌ای، حمایت

سازمان‌های مختلف، بار تکفل و درآمد به عنوان متغیری که بیش‌ترین سهم را در تغییرات نامنی غذایی داشته، وارد مدل شده و در مدل نهایی باقی ماندند و در مجموع، توانستند ۶۲ درصد از تغییرات متغیر نامنی غذایی افراد مورد مطالعه را تبیین کنند. آگاهی و دانش تغذیه‌ای بیش‌ترین سهم را دارد که با توجه به سطح پایین دانش و اطلاعات زنان سرپرست خانوار، به نامنی غذایی آن‌ها دامن زده می‌شود.

جدول ۶- ضرایب متغیرها در معادله رگرسیون در گام چهارم

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

متغیر	B	انحراف معیار	Beta	t	سطح معنی داری
عدد ثابت	۶/۷۸۴	۰/۶۹۱	-	۹/۸۱۹	۰/۰۰۰
عوامل دانشی	- ۰/۴۱۱	۰/۰۰۰	- ۰/۵۰۳	- ۵/۸۳۹	۰/۰۰۰
تحت حمایت سازمان	۰/۳۳۸	۰/۱۰۶	- ۰/۲۵۲	- ۳/۱۸۲	۰/۰۰۲
تعداد افراد تحت تکفل	۰/۶۴۳	۰/۲۰۶	۰/۲۷۰	۳/۱۱۶	۰/۰۰۲
درآمد	- ۰/۱۵۴	۰/۰۰۰	- ۰/۱۹۹	- ۲/۴۵۵	۰/۰۱۶
R ² = ۳۶۷/۰ R = ۳۹۱/۰ Beta = ۶۲۵/۰ t = ۳۴۵/۱۶۶ Sig = ۰/۰۰۰					

معادله خط رگرسیون (۱) حاصل از این تحلیل به صورت زیر است:

$$Y = a + bX_1 + cX_2 + dX_3 + eX_4 \quad (1)$$

$$Y = 6/784 - 0/411 X_1 + 0/338 X_2 + 0/643 X_3 - 0/154 X_4$$

a = ضریب ثابت

b = ضریب متغیر دانشی (X₁)c = ضریب متغیر تحت حمایت سازمان (X₂)d = افراد تحت تکفل (X₃)e = درآمد (X₄)

Y = نامنی غذایی (متغیر وابسته)

رابطه منفی درآمد بر نامنی غذایی زنان مورد مطالعه می‌باشد که با نتایج پژوهش‌های بیگل و هم‌کاران (۲۰۰۰)، رامش و هم‌کاران (۱۳۸۸)، جوان و هم‌کاران (۱۳۸۷)، پورکامی و سوزنده (۱۳۸۸) و معیندر و هم‌کاران (۱۳۸۶)، نجیبی و هم‌کاران (۱۳۹۱) و شرفخانی و هم‌کاران (۱۳۹۰) نیز در مطالعات خود به اهمیت این مسأله در نامنی غذایی تأکید داشتند، هم‌خوانی داشت.

۴.۷. ارزیابی تابع عوامل مؤثر بر نامنی غذایی زنان

سرپرست خانوار

با توجه به این‌که در این تحلیل، متغیرهایی قابلیت پیش‌بینی فراوانی دارند که دارای لاندای ویلکس کم‌تر باشند. بنابراین، از میان ۴ متغیر مستقل وارد شده در معادله، در گام نهایی، ۴ متغیر که دارای لاندای ویلکس و سطح معنی دار پذیرفته شده‌ای بودند، به دست آمد. این ۴ متغیر توان ایجاد حداکثر تمایز بین چهار گروه از زنان سرپرست خانوار (از نظر سطح نامنی غذایی) را دارند و با توجه به مقادیر لاندای ویلکس، متغیرهای دانش تغذیه‌ای، تعداد افراد تحت تکفل، حمایت سازمان‌های مختلف و درآمد، قادر به پیش‌بینی

بر اساس نتایج به‌دست آمده، دانش و اطلاعات غذایی از عامل‌های مؤثر بر نامنی غذایی که دارای رابطه و تأثیر منفی می‌باشند؛ به گونه‌ای که با افزایش دانش و آگاهی تغذیه‌ای، سطح نامنی غذایی کاهش یافته و منجر به افزایش امنیت غذایی شده که در نهایت، پایداری امنیت غذایی در بین زنان روستایی و جوامع روستایی را در پی دارد. نتایج تحقیقات هاشمی و سیال (۲۰۰۸)، اووتوکی (۲۰۰۵)، باقری و هم‌کاران (۱۳۹۱)، براون و هم‌کاران (۲۰۰۹)، درخشنده (۱۳۹۱) و باباتوبنده و هم‌کاران (۲۰۰۷) نیز مؤید همین یافته است. از دیدگاه اسمیت و هم‌کاران (۲۰۰۰) درآمد پایین، منجر به نامنی غذایی می‌شود. نتایج این پژوهش، نشان‌دهنده تأثیر و

طبقه‌های نامنی غذایی افراد بوده که در ۴ گام وارد تحلیل تشخیصی شده‌اند و می‌توانند واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند (جدول ۷). همان‌طور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود، ضریب هم‌بستگی متعارف بین متغیر گروه و نمره تشخیصی، بسیار عالی بود (۰/۸۲۹). هرچه میزان این هم‌بستگی بیش‌تر باشد، نشانه مطلوبیت بیش‌تر این تابع در پیش‌بینی زنان سرپرست خانوار برحسب تعلق به گروه مورد نظر سطح نامنی سرپرست خانوار است. معیار دیگر در ارزیابی تابع تشخیصی، اندازه ویژه است که در این تابع برابر ۰/۷۸۷ به دست آمد. مقدار آماره لانداوی ویکس ۰/۴۲۱ نشان‌دهنده این است که اختلاف معنی‌داری بین میانگین نمره تشخیصی چهار گروه وجود دارد؛ به عبارت دیگر، تابع به دست آمده می‌تواند چهار گروه از زنان سرپرست خانوار را به طور معنی‌داری، متمایز کند.

جدول ۷- نتایج تحلیلی تابع تشخیصی مهم‌ترین متغیرهای متمایزکننده طبقه‌های نامنی غذایی زنان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

متغیر مستقل	لانداوی ویکس	F محاسبه شده	سطح معنی‌داری
دانش تغذیه‌ای	۰/۵۰۱	۶۵/۳۰۴	۰/۰۰۰
حمایت سازمان‌های مختلف	۰/۸۸۰	۱۰/۲۸۷	۰/۰۰۰
تعداد افراد تحت تکفل	۰/۵۳۷	۵۵/۲۵۴	۰/۰۰۰
درآمد	۰/۶۵۹	۳۹/۱۶۸	۰/۰۰۰

Sig = .000 Canonical correlation = 0.829 Eigen value = 0.787

هر کدام از توابع تشخیصی خطی فیشر، می‌توان پیش‌بینی کرد که فرد بررسی شده به کدام طبقه از زنان سرپرست خانوار تعلق دارد.

(۲)

$$Z = W_1 X_1 + W_2 X_2 + W_3 X_3 + \dots + W_n X_n$$

در این معادله، Z میزان تشخیص و یا میزان تفاوت، W وزن تشخیص و X متغیر مستقل است.

جدول ۸- ضریب‌های توابع طبقه‌بندی برای پیش‌بینی زنان سرپرست خانوار برحسب نامنی غذایی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۳

متغیر پیش‌بینی	امن غذایی	نامنی خفیف غذایی	نامنی متوسط غذایی	نامنی شدید غذایی
عدد ثابت	- ۸/۱۰	- ۷/۴۵	- ۶/۵	- ۶/۸۷
دانش تغذیه‌ای	- ۶/۱۱	- ۵/۹۲	- ۴/۲۹	- ۵/۱۸
حمایت سازمان‌های مختلف	۱/۹۸	۱/۰۸۳	۰/۹۶	۱/۰۱
تعداد افراد تحت تکفل	۰/۷۲	۰/۹۲	۰/۹۸	۱/۸۲
درآمد	۳/۵۸	۲/۷۸	۲/۱۵	۲/۱۲

Wilks Lambda = 0.421

خود، وضعیتی هشداردهنده است. همچنین، می‌توان به این نتیجه مهم اشاره کرد که وابستگی به دولت در فرهنگ و باور مردم نهادینه شده است. این مسأله سابقه دیرینه در کشور دارد که براساس نظریه راجرز قابل تفسیر است. یکی از مؤلفه‌های نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز «وابستگی به دولت در عین

۵. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد تنها یک‌چهارم زنان روستایی سرپرست خانوار از امنیت غذایی برخوردار می‌باشند و اکثریت (۵۱/۴ درصد) در وضعیت نامنی خفیف غذایی قرار دارند. که به نوبه

بدبینی به آن است» که به نوعی انتظار انجام اموری است که در توان افراد هست؛ ولی منتظر دولت و سازمان‌های دولتی می‌مانند. همان‌طور که مشاهده شد، تنها متغیر بار تکفل، اثر مثبتی در پیش‌بینی ناامنی غذایی افراد داشتند؛ به این ترتیب که با افزایش آن‌ها، ناامنی غذایی افزایش می‌یابد و در نتیجه، امنیت غذایی کاهش می‌یابد. متغیرهای دیگر مورد بررسی نظیر دانش و اطلاعات تغذیه‌ای حمایت سازمان‌های مختلف و درآمد با ناامنی غذایی، رابطه منفی دارند؛ به این معنا که با افزایش هر کدام از این موارد، سطح ناامنی غذایی کاهش یافته است. ناامنی غذایی در جامعه مورد مطالعه وجود داشت و با برخی عوامل؛ مانند: داشتن فرزند و افراد تحت تکفل ارتباط مثبت و با وضعیت درآمدی، سازمان‌های حمایت‌کننده و دانش تغذیه‌ای، رابطه منفی و معناداری دارد. بنابراین، با سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مناسب در زمینه ارتقای وضعیت اقتصادی و آموزشی زنان سرپرست خانوار و به خصوص دارای افراد تحت تکفل زیاد؛ نظیر در نظر گرفتن تسهیلاتی جهت ایجاد اشتغال خرد و افزایش درآمد و همچنین، افزایش آگاهی‌های تغذیه‌ای، می‌توان شیوع ناامنی غذایی را تقلیل داد. درآمد به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه امنیت غذایی در اکثر جوامع است که در این تحقیق نیز به عنوان یک مؤلفه اصلی تبیین شد، در حالی که به نظر می‌رسد در جامعه مورد مطالعه که عنوان قشر و جامعه با فرهنگ‌ها و سنت‌های خاص را می‌توان به آن اطلاق کرد، تأثیر برخی مؤلفه‌های غیراقتصادی از قبیل فرهنگ، رسوم و باورها گاه عامل درآمد را تحت تأثیر قرار داده است و درآمد به عنوان چهارمین عامل ممیز، تلقی شده است.

براساس نتایج، می‌توان پیشنهادهایی جهت بهبود وضعیت امنیت غذایی زنان سرپرست خانوار روستایی مورد مطالعه به شرح ذیل داد:

براساس یافته‌های پژوهش حاضر و با توجه به این که آگاهی و دانش تغذیه‌ای بیش‌ترین سهم را در کاهش ناامنی غذایی دارد، سطح پایین دانش و اطلاعات زنان سرپرست خانوار در منطقه مورد مطالعه، باعث گسترش ناامنی غذایی آن‌ها می‌شود. از این رو، پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های مسؤول امر، آموزش‌های مداوم و باینامه‌ای در این خصوص پیش‌بینی و اجرا کنند.

با توجه به تأثیر میزان درآمد بر کاهش ناامنی غذایی، باید دو راهبرد هم‌زمان توسط دولت و سازمان‌های مسؤول در پیش گرفته شود. راهبرد اول، توان‌مندسازی زنان سرپرست خانوار

روستایی حداقل در یک برنامه میان‌مدت و راهبردهای حمایت اضطراری در کوتاه‌مدت به صورت ارائه تسهیلات و امکانات لازم از جمله دایرکردن صندوق‌های اعتباری خرد و مشاغل خرد اقدامات لازم صورت گیرد. بدیهی است بهترین راهبرد برای رفع ناامنی غذایی، توان‌مندسازی زنان سرپرست خانوار است و وابسته کردن آن‌ها به حمایت‌های مداوم دولتی غیرمنطقی است.

نتایج تحقیق، ارتباط منفی و معکوس بین آگاهی و دانش تغذیه‌ای و سطح ناامنی غذایی را نشان داد با توجه به این که افزایش آگاهی در امنیت غذایی تأثیر مثبتی دارد و از طرفی، تغییر رفتار نیازمند تغییر در نگرش و تغییر در نگرش، نیازمند دادن آگاهی به افراد است، بنابراین، تشکیل دوره‌های آموزشی توسط دفتر امور زنان جهاد کشاورزی و استانداری، در راستای افزایش آگاهی و دانش تغذیه‌ای زنان روستایی، توصیه می‌شود.

براساس یافته‌های این تحقیق، حمایت سازمان‌های مربوط به عنوان دومین عامل مؤثر شناسایی شد که به نظر می‌رسد وابستگی به دولت در فرهنگ و باور مردم نهادینه شده است که این مسأله سابقه دیرینه در کشور دارد که براساس نظریه راجرز قابل تفسیر است. یکی از مؤلفه‌های نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی راجرز «وابستگی به دولت در عین بدبینی به آن» است که به نوعی انتظار انجام اموری که در توان افراد هست؛ ولی منتظر دولت و سازمان‌های دولتی می‌مانند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود برای تضعیف این باور، با استفاده از تسهیل‌گیری مناسب کمک شود تا افراد توان و پتانسیل موجود خود را شناسایی و کارهای خوداشتغالی در همان حد و اندازه ایجاد شود تا مصداقی از آموزش غیرمستقیم توان‌مندی و خودباوری زنان سرپرست خانوار روستایی شود.

از آن جا که پژوهش حاضر، اولین بررسی انجام‌شده در زمینه ناامنی غذایی زنان سرپرست خانوار از دیدگاه دسترسی در شهرستان اسلام آباد غرب می‌باشد، بنابراین، استفاده از یافته‌های آن در امر برنامه‌ریزی و اقدامات لازم جهت بهبود وضعیت امنیت غذایی این قشر از زنان پیشنهاد می‌شود.

و در نهایت، ضروری به نظر می‌رسد که پژوهش‌هایی متناسب با وضعیت اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی در خصوص کاهش ناامنی زنان سرپرست خانوار انجام گیرد.

یادداشت‌ها

1. Institute of Food Technologists (IFT)

- | | |
|--|--|
| 18. Nagata, Magareng, Young, Oguta, Weiser & Cohen | 2. World Health Organization (WHO) |
| 19. Smith, Amani & Jensen | 3. Food and Agriculture Organization (FAO) |
| 20. Bickel, Nord, Price, Hamilton & Cook | 4. Carter & Taylor |
| 21. Ganapathy, Duffy & Getz | 5. Turrell, Hewitt, Patterson, Oldenburg & Gould |
| 22. Radimer, Olson & Campbell | 6. Frehiwot |
| 23. Keenan, Olson, Hersey & Parmer | 7. Hashemi & Sial |
| 24. Coates, Swindale & Bilinsky | 8. Mazur, Marquis & Jensen |
| 25. Office of Community Nutrition Improvement (OCNI) | 9. Browne, Laurence & Thorpe |
| 26. Fasea & Abma | 10. Gulliford, Mahabir & Rocke |
| 27. Hondroyiannis, Sarantis & Papapetrou | 11. Babatunde, Owotoki, Heidhues, & Buchenrieder |
| 28. Liang & Teng | 12. Shaikh |
| 29. Browne, Laurence & Thorpe | 13. Mallik & Rafi |
| 30. Rufael | 14. Walingo, |
| 31. Mukudi | 15. Owotoki, |
| 32. Ramakrishna & Assefa | 16. Abdalla, Ingrid-Ute & Siegfried |
| | 17. Ibrahim, Uba-Eze, Oyewole & Onuk |

کتابنامه

1. Agricultural economics and planning institute. (1383/2004). *Food security and income distribution*. Tehran: Agricultural Ministry [In Persian].
2. Alizadeh, K., Hataminejad, H. (1389/2010). Evaluate the impact of economic conditions on food security in rural area (Case Study: The Payenvelayat Dehestan of Razaviyeh District in Mashhad County). *Sepehr Journal*, 21 (82), 85-88. [In Persian].
3. Babatunde, R., Owotoki, G., Heidhues, F., & Buchenrieder, G. (2007). Vulnerability and food insecurity differentials among male and female-headed farming households in Nigeria. *Pakistan Journal of Social Sciences*, 4(3), 414-418.
4. Bagheri, S. A., Zamani, A., Vakili, M., & Shenavar, R. (1391/2012). Food Security. *Journal of Social workers*, 21(1), 28-33. [In Persian].
5. Balali, H., & Chizari, A. (1386/2007). Calculate and evaluate the overall support domestic product walnuts in accession to WTO (Case study: Hamedan province). *Proceeding of the 6th Conference of Agricultural Economics Iran*, Mashhad Ferdowsi University, Mashhad, Iran. [In Persian].
6. Bickel, G., Nord, M., Price, C., Hamilton, W., & Cook, J. (2000). *Guide to measuring household food security*. US Department of Agriculture, Food and Nutrition Service, Office of Analysis, Nutrition, and Evaluation. Retrieved 15 August 2014 from [http://www.fns.usda.gov/fsec/FILES/Guide%20to%20Measuring%20Household%20Food%20Security%20\(3-23-00\).pdf](http://www.fns.usda.gov/fsec/FILES/Guide%20to%20Measuring%20Household%20Food%20Security%20(3-23-00).pdf).
7. Browne, J., Laurence, S., & Thorpe, S. (2009). *Acting on food insecurity in urban Aboriginal and Torres Strait Islander communities*. Policy and practice interventions to improve local access and supply of nutritious food, 2000-2010. Retrieved 15 July 2014 from <http://www.healthinfont.net.ecu.edu.au/health-risks/nutrition/other-reviews.p:1-38>.
8. Carter, P., & Taylor, A. (2007). Food insecurity in South Australia. *Public Health Bulletin SA*, 4(1), 23-25.
9. Coates, J., Swindale, A., & Bilinsky, P. (2007). Household Food Insecurity Access Scale (HFIAS) for measurement of food access: indicator guide. *Washington, DC: Food and Nutrition Technical Assistance Project, Academy for Educational Development*. Retrieved 20 August 2014 from <http://www.Fantaproject.org>.
10. Dini-e-Torkamani, A. (1379/2000). Food security and its rate in Iran. *Journal of Trade Studies*, 14, 121-148 [In Persian].
11. Fase, M. M., & Abma, R. C. N. (2003). Financial environment and economic growth in selected Asian countries. *Journal of Asian economics*, 14(1), 11-21.
12. Food and Agriculture Organization. (2012). *The state of food insecurity in the World 2012*. Retrieved 10 August 2014 from <http://www.fao.org/docrep/016/i3027e/i3027e00.htm>.

13. Food and Agriculture Organization. (2008). *Crop prospects and food situation*, Available from Food and Agriculture Organization. Agriculture Organization of the United Nations. Retrieved 16 August 2014 from <http://www.fao.org/home/en>.
14. Forouzan, S., & Biglarian, A. (1382/2003). Female-headed households: Opportunities and Challenges. *Journal of Women in Development and Politics*, 1(5), 35-58. [In Persian].
15. Ganapathy, S., Duffy, S. B., & Getz, C. (2005). *A Framework for Understanding Food Insecurity: An Anti-Hunger Approach*. Retrieved 26 August 2014 from http://www.cnr.berkeley.edu/cwh/PDFs/Framework_Food_Insecurity_3,5.
16. Gulliford, M. C., Mahabir, D., & Rocke, B. (2003). Food insecurity, food choices, and body mass index in adults: nutrition transition in Trinidad and Tobago. *International Journal of Epidemiology*, 32(4), 508-516.
17. Hashmi, A. A., Sial, M. H., Hashmi, M. H., & Anwar, T. (2008). Trends and Determinants of Rural Poverty: A Logistic Regression Analysis of Selected Districts of Punjab [with Comments]. *The Pakistan Development Review*, 1(1), 909-923.
18. Hondroyiannis, G., Lolos, S., & Papapetrou, E. (2005). Financial markets and economic growth in Greece, 1986–1999. *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, 15(2), 173-188.
19. Ibrahim, H., Uba-Eze, N. R., Oyewole, S. O., & Onuk, E. G. (2009). Food security among urban households: a case study of Gwagwalada area council of the federal capital territory Abuja, Nigeria. *Pakistan Journal of Nutrition*, 8(6), 810-813.
20. Institute of Food Technologists (IFT). (2008). *Number of food-insecure people increases worldwide*, Institute of Food Technologists. Retrieved 26 August 2014 from <http://www.fao.org/hunger/en>.
21. Javan, J., Pourashor-e-Yasouri, M., Rahnma, M. R., & Shalchi-e-Ahmadian, N. (1387/2008). Economic situation of rural women heads of household. *Journal of Geography and Regional Development*, 7(11), 19-35. [In Persian].
22. Keenan, D. P., Olson, C., Hersey, J. C., & Parmer, S. M. (2001). Measures of food insecurity/security. *Journal of Nutrition Education*, 33, S49-S58.
23. Khodadakashy, F., & Heidari, Kh. (1383/2004). Estimates of Iranian households on food security HFIAS. *Agricultural Economics and Development*, 12(48), 155-172. [In Persian].
24. Kimiagar, M., & Bazhen, M. (1384/2005). Poverty and malnutrition in the country. *Journal of Social Welfare*, 5(18), 91-111. [In Persian].
25. Liang, Q., & Jian-Zhou, T. (2006). Financial development and economic growth: Evidence from China. *China economic review*, 17(4), 395-411.
26. Madani Qahfarokhi, S. (1381/2002). *Empowerment of women headed households*. Tehran: Research Center of the Parliament Press. [In Persian].
27. Mallick, D., & Rafi, M. (2010). Are female-headed households more food insecure? Evidence from Bangladesh. *World development*, 38(4), 593-605.
28. Mazur, R. E., Marquis, G. S., & Jensen, H. H. (2003). Diet and food insufficiency among Hispanic youths: acculturation and socioeconomic factors in the third National Health and Nutrition Examination Survey. *The American journal of clinical nutrition*, 78(6), 1120-1127.
29. Milani-e-Bonab, A., Mozaffari-e-Khosravi, H., & Omidvar, N. (1391/2012). Content validity and internal consistency evaluation tool based on direct measurements of the experience of food insecurity for community nursing. *Journal of Health Faculty of Yazd*, 11(2), 57-74. [In Persian].
30. Moaiedfar, S., & Hamidi, N. (1386/2007). Women headed households: Unsaid and social damage. *Journal of Social Sciences*, 82(33), 131-158. [In Persian].
31. Moemenizadeh, N. (1393/2014). Comparative analysis of women headed households. *Economic Journal*, 14(3 & 4), 95-120. [In Persian].
32. Mohamadzadeh, A., Dorosti-e-Motlagh, A. R., & Eshraghian, M. R. (1389/2010). The relationship between food security and socio-economic factors and weight status in adolescents. *Iranian Journal of Nutrition Sciences and Food Technology*, 5(1), 55-62. [In Persian].

33. Mukudi, E. (2003). Education and nutrition linkages in Africa: evidence from national level analysis. *International Journal of Educational Development*, 23(3), 245-256.
34. Nagata, J. M., Magerenge, R. O., Young, S. L., Oguta, J. O., Weiser, S. D., & Cohen, C. R. (2012). Social determinants, lived experiences, and consequences of household food insecurity among persons living with HIV/AIDS on the shore of Lake Victoria, Kenya. *AIDS care*, 24(6), 728-736.
35. Najibi, N., Dorosti-e-Motlagh, A. R., Sadrzadeh, Y., Eshraghian, M. R., Danshi-e-Maskoni, M., & Azizi, S. (1391/2012). Food insecurity status and some associated socioeconomic factors among newly diagnosed patients with type 2 diabetes in Shiraz, 2012. *Arak Medical University Journal (A.M.U.J.)*, 16(70), 98-106. [In Persian].
36. Nazoktbar, H., & Veysi, R. (1387/2008). Socio-economic and cultural condition of women-headed households in Mazandaran Province. *Social Welfare Quarterly*. 7(27), 95-113. [In Persian].
37. Norouzi, N., Moghads, R., & Shams Aldyni, S. (1392/2013). Investigating of poverty and food insecurity and its influencing factors in the rural of Khuzestan province. *Proceeding of the 1st National Conference on E-economy Perspective Iran*, 28 December, 2013, Khorasgan Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. [In Persian].
38. Office of Community Nutrition Improvement. (1380/2001). *National integrated micronutrient status*. Tehran: Ministry of Health and Medical Education. [In Persian].
39. Omrani, M., Mohamadzadeh, K., & Dahmarde, M. (1388/2009). Analyzing poverty determinants and welfare changes among rural households of Sistan region. *Journal of Agricultural Economics*, 1(2), 21-42. [In Persian].
40. Ostad-e-Rahimi, A., Soltanali, M., Totonchi, H., Dastgiri, S., & Dadgar, L. (1385/2006). The prevalence of hunger and food insecurity of obvious and hidden hunger in Asadabad Tabriz. *Quarterly Research Journal of Lorestan University of Medical Sciences*, 8(1), 61-66. [In Persian].
41. Owotoki, G. M. (2005). *Gender differences in household's resource allocation and its impact on food security: A case study of Kwara State, Nigeria*. Unpublished master Thesis, University of Hohenheim, Stuttgart, Germany.
42. Pourkazemi, M. H., & Sozandeh, M. (1388/2009). Determine the food basket for different income groups using fuzzy logic. *Journal of Economic Research*, 22(87), 52- 74. [In Persian].
43. Radimer, K. L., Olson, C. M., & Campbell, C. C. (1990). Development of indicators to assess hunger. *The Journal of Nutrition*, 120(1), 1544-1548.
44. Ramakrishna, G., & Demeke, A. (2002). An empirical analysis of food insecurity in Ethiopia: the case of North Wello. *Africa Development/Afrique et Développement*, 1(1), 127-143.
45. Ramesh, T. (1388/2009). *The Prevalence of food insecurity and some associated factors among Shirazian households in 2009*. Unpublished master's thesis, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. [in Persian].
46. Ramesh, T., Dorsti-e-Motlagh, A. R., & Abdullahi, M. (1388/2009). Household food insecurity in the city, and socio-economic and demographic factors associated with. *Iranian Journal of Nutrition Sciences and Food Technology*, 4(4), 53- 64. [In Persian].
47. Saadi, H., & Vahadt-e-Moadab, H. (1392/2013). Evaluation of women heads of household food security and influencing factors (Case study: Razan county). *Quarterly of Women in Development & Politic*, 11(3), 411-426. [In Persian].
48. Saadi, H., Azizi, M. & Azami, M. (1393/2014). Training and extension food security of farmer household (Case study: Qorveh County). *Journal of Iranian Agricultural Economy Researches*, 45(3), 483-499. [In Persian].
49. Salarkia, N., Abdullahi, M., Amini, M., & Islami-e-Amirabadi, M. (1388/2009). Validation and use of the HFIAS questionnaire for measuring household food insecurity in Varamin-2009. *Iranian Journal of Endocrinology & Metabolism (IJEM)*, 13(4), 383-374. [In Persian].
50. Abdalla, A., Ingrid-Ute, L., & Siegfried, B. (2009). Measuring food consumption using coping strategies adopted by farm household in the security. *J. Nutr. Edu.* 30(1), 45-49.
51. Frehiwot, F. (2007). *Food insecurity and its determinants in rural households in Amhara region*. School of Graduate studies, Faculty of Business and Economics, Department of Economics, Addis Ababa University, Ethiopia.
52. Shaditalab, Zh., Wahhabi, M., & Varmazian, H. (1384/2005). Income poverty is only one aspect of poverty in women headed households. *Journal of Social Welfare*, 4(17), 52-59. [In Persian].

53. Shaikh, F. M. (2007). Determinants of household food security and consumption pattern in rural Sindh: non-separable agricultural household model. *IUB Journal of Social Sciences and Humanities*, 5(2), 18-39.
54. Sharafkhani, R., Dastgiri, S., Gharahaghaji-e-Asl, R., & Ghavamzadeh, S. (1390/2011). Prevalence and factors affecting household food insecurity (Case study: Gharehsou district in Khoy County). *Medical Journal of Urumieh*. 22(2), 123-128. [In Persian].
55. Shateri, M., & Roustaa, M. A. (1390/2011). Training rural women and their participation in agricultural activities (Case study: Villages Khosf). *Journal of Social and Cultural Studies in Khorasan*, 5(19), 83-61. [In Persian].
56. Smith, L. C., El Obeid, A. E., & Jensen, H. H. (2000). The geography and causes of food insecurity in developing countries. *Agricultural Economics*, 22(2), 199-215.
57. Statistical Center of Iran. (1390/2011). *Population and housing census 2011*. Tehran: Statistical Center of Iran. Retrieved 25 May 2008 from <http://amar.sci.org.ir> [In Persian].
58. Statistics Center of Iran. (1385/2006). *Results of expense and income survey 2006*. Tehran: Statistical Center of Iran. Retrieved 25 May 2008 from <http://amar.sci.org.ir> [In Persian].
59. Turrell, G., Hewitt, B., Patterson, C., Oldenburg, B., & Gould, T. (2002). Socioeconomic differences in food purchasing behavior and suggested implications for diet-related health promotion. *Journal of Human Nutrition and Dietetics*, 15(5), 355-364.
60. USDA. (2000). *Food and nutrition service*. Office of Analysis, Nutrition and Evaluation, Alexandria, VA.
61. Walingo, M. K. (2006). The role of education in agricultural projects for food security and poverty reduction in Kenya. *International Review of Education*, 52(3-4), 287-304.
62. Wolde-Rufael, Y. (2009). Re-examining the financial development and economic growth nexus in Kenya. *Economic Modelling*, 26(6), 1140-1146.
63. World Health Organization. (2003). The world health report 2003: shaping the future. World Health Organization. Retrieved 8 July 2009 from http://www.who.int/healthinfo/survey/whs_hspa_book.pdf.
64. Zarei-e-Bideskan, M., & Mehrabi-e-Bshrabady, H. (1391/2012). Development of the financial impact on the food security of rural households. *Agricultural Economics Research*, 5(1), 65-80. [In Persian].
65. Zerafati-e-Shoa, N. (1383/2004). *Validation of Radimer Corner modified questionnaire in food security assessment of urban households in Tehran's (district of 20)*. Unpublished master's thesis, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. [In Persian]
66. Ziaei, S. M., Shirani-e-Bidabadi, F., Eshraqi, F., & Karamtzadeh, A. S. (1392/2013). Use of non-food coping strategies in the assessment of food insecurity in rural area of Gorgan. *Agricultural Economics Research*, 5(3), 83-97. [In Persian]

Analysis of Food Insecurity and Some Factors Affecting to Rural Women Heads of Household in Islamabad Qarb County

Karim Naderi Mahdei^{1*}- Sara Jalilian²

1- Associate Prof., in Agricultural Education and Extension, Bu-Ali-Sina University, Hamedan, Iran.

2- MSc. in Agricultural Education and Extension, Bu-Ali-Sina University, Hamedan, Iran.

Received: 16 December 2014

Accepted: 3 April 2016

Extended Abstract

1. INTRODUCTION

Human as the main component of society and economy had a requirement that food security and healthy food nutrition was initially and major. Food insecurity and hungry can be affect on human health in the first stage, and social and psychological consequences in addition. Food security is a complex condition that its dimensions were availability, access, utilization and stability. The ability to access food rests on two pillars: economic and physical access. Economic access is determined by disposable income, food prices and the provision of and access to social support. Physical access is determined by the availability and quality of infrastructure. Therefore, monitoring food security and mitigating food insecurity in the any community was necessary. The purpose of study was to investigate food insecurity and its related factors in rural female headed households in the Islamabad Qarb county.

2. METHODOLOGY

This study was a descriptive survey research and the statistical population of the study was rural women heads of household in the Islamabad Qarb county. 107 heads of household were selected by random sampling method. Data collection was accomplished by using questionnaires were filled out using interviews with the participants. The stundardaized questionnaire were used that the questionnaire was validated by a 5-member panel of experts and its reliability was confirmed through pre-test of data tool and Cronbach Alpha ($\alpha=0.92$). To assess the level of food security, HFIAS index, regression and discriminate analysis were used for food security analyzing.

3. DISCUSSION

Results showed that 25.2 percent of households were in food secure level. Also results showed the other heads of household in low insecure level

(51.4 percent), 21.5 percent in moderate level and 1.9 percent in severe food insecurity level. The results of HFIAS analysis showed the most of household food insecurity refers to food that family members do not like, because it was not possibility for providing proper foods. The results of the regression analysis were explained four factors including to: knowledge, supporting organization, the number of dependents and income that it explained 62% of the total variance of food insecurity. Also, the four levels of food insecurity were approved and appropriately fitted by discriminate analysis.

4. CONCLUSION

Final strategy is empowerment of rural women not is support and taking dependent to government. But in early stage, social protection and other measures that increase the incomes of poor families to buy food, they can have an even more positive effective and spur rural development, by creating employment opportunities, equitable opportunities for women in rural development.

Some of the most important factors in reducing the problems of rural women heads of household were: creating job opportunities, appropriate supportive mechanisms behalf of government, making of appropriate culture for families to support of training for mentioned families, and training of skills for home based business.

Ultimately, rural women's empowerment, political stability, effective governance, uninterrupted long-term commitments to mainstreaming food security and nutrition in policies and programmers are key to the reduction of rural women's hunger and malnutrition. So it can be expected that those factors which had high priority will contribute to related actors and organizations to apply food security of rural women heads of household strategies. It can be expected that those factors which had high priority will contribute to related actors and

*. Corresponding Author: knadery@yahoo.com

Tel: +98918 819 5863

organizations to apply food security of rural women heads of household strategies. **Key words:** Food insecurity, food security, household, rural women, Islamabad Qarb county.

How to cite this article:

Naderi Mahdei, K., & Jalilian, S. (2016). Analysis of food insecurity and some factors affecting to rural women heads of household in Islamabad Qarb county. *Journal of Research & Rural Planning*, 5(2), 29-45.

URL <http://jrrp.um.ac.ir/index.php/RRP/article/view/42423>

ISSN: 2322-2514

eISSN: 2383-2495